



## نقش خانواده در بازپروری فرزندان بزهکار؛ مطالعه موردی جوانان و نوجوانان

### دارای اعتیاد به مواد مخدر شهر سیرجان

فهیمه حاتمی شهراباک<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه خوارزمی تهران، zeraatkar.2000@gmail.com

چکیده - فرزندان بزهکار یکی از معضل های مهم هر اجتماعی بحساب می آید. چراکه این فرزندان تحت شرایط نامطلوب و نامساعد اجتماعی، اقتصادی خانوادگی و فرهنگی تحت عنوان افراد بزهکار شناخته شده اند. حال آنکه برای اینکه این فرزندان یک آینده درخشانتری داشته باشند باید فکری برای آنها کرد. یکی از راه هایی که می توان از این امر جلوگیری کرد بررسی نقش خانواده در بازپروری فرزندان بزهکار هست که در این مقاله به آن می پردازیم. روش تحقیق مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد که با بررسی کتب و مقالات مرتبط و همچنین استفاده از پرسشنامه استاندارد بزهکاری نوجوانان آیتی به انجام رسید. نوجوانان و جوانان شهر سیرجان به عنوان جامعه آماری تحقیق در نظر گرفته شدند و ۳۴۰ از جوانان و نوجوانان معتاد شهر و ۵۸ نفر از روانشناسان فعال در این حوزه به عنوان نمونه انتخاب شدند. در نهایت اینکه پس از بررسی های فراوان دریافتیم که نوجوانان و جوانان در جامعه دارای وضع روانی و اجتماعی حساستر و به مراتب آسیب پذیرتری نسبت به سایرین می باشند. از دیدگاه روانشناسان، تاثیر خانواده در بازپروری جوانان و نوجوانان بزهکار در حد متوسط تا زیاد است و همچنین از دیدگاه معتادان تاثیر خانواده در بازپروری جوانان و نوجوانان بزهکار در حد متوسط است.

کلید واژه- بازپروری، بزهکاری، جرم شناسی، خانواده.

کند، ذهنیت مجرم را به تدریج کسب می کند و مجدداً مرتکب جرم می شود [۱].

#### ۱- مقدمه

پاسخ های سالم آزادی به بزهکاری نوجوانان با چالش های اساسی مواجه اند. زیرا زندان نتوانسته کارکرد بازدارنده خود را به نمایش گذارد و از این رو است که زندان را مدرسه جرم و محل آموزش بزهکاری و زندانی را شاگرد این مدرسه می دانند که در طول نگهداری خود در زندان، با شیوه های ارتکاب جرم و نیز با جرایم جدید آشنا می شود [۲]. در این راستا، ساترلند، رفتار بزهکارانه را مانند هر رفتار اجتماعی دیگری می داند که یاد گرفته می شود. وی معتقد است رفتارهای مجرمانه در اثر تماس و همنشینی با الگوهای جنایی آموخته می شود. هر چه تماس افراد با چنین محیط هایی زودتر آغاز شود، تکرار تماس به دفعات بیشتری باشد و مدت زمان تماس طولانیتر باشد، احتمال اینکه فرد در نهایت به یک بزهکار تبدیل شود بیشتر است [۳]. این امر، در خصوص نوجوانان بزهکار نمود بیشتری پیدا می کند زیرا نوجوانان در سنینی مرتکب جرم می شوند که قابلیت هرگونه تأثیرپذیری از محیط اطراف خود را دارند. بنابراین، با ورود

نوجوانانی که نمی توانند بار مبنای ضعف عملکرد نهادهای جامعه پذیری چون خانواده و نابسامانی فضای ساختی در نظام اجتماعی، تمایلات خود را به سوی رفتارهای هم نوا سوق دهند، ممکن است به سوی رفتارهای انحرافی کشیده شوند و در صورت دریافت برچسب منحرف، از سوی نهادهای کنترل اجتماعی به عنوان بزهکار شناخته شوند. نظریه برچسب زنی بر خلاف نظریه های معمول در جرم شناسی، که واکنش کیفی را مانع و سدی در مقابل وسوسه های بزهکارانه و تکرار جرم می دانند، واکنش اجتماعی را به وجود آورنده بزهکاری می داند. به این معنا که گروه های اجتماعی و قانون گذار با وضع و اجرای مقرراتی که نقض آنها انحراف یا جرم تلقی می شود، نسبت به اشخاص خاص و با زدن برچسب منحرف یا مجرم، بزهکار را به وجود می آورند و چنین فردی که جامعه موفق شده بر وی برچسب مجرمانه الصاق